

## نامه های نامی مولانا عبدالرحمن جامی

از زمانی که بنی آدم صاحب تفکر و زبان گردید برای انتقال تراوش احساسات و اندیشجاتش [!] از مکانی به مکانی ضرورت پیش آمد و ظاهراً نامه های بال کبوتر هم از همان ایام از دیاری به دیاری رسیدن آغاز کردند. بعد پیدایش خط و سواد و کاغذ پیغام و پیام آدمی از گوشه ای به گوشه ای توسط پیک سواره خوش خبر توشه واری می رسید. نهایت مقصود و مطلب آدمان را در دوران روان سیاره و قطاره و هواپیما از کشوری به کشوری انتقال دادن آموخته، در این جاده وسایل متعدده تکنیک معاصر نیز کمک رسان مردم گردیدند.

نامه و انشاء نگاری به زبان فارسی درى تاجیکی [!] تاریخ طولانی داشته، از زمان پیدایش خطوط گوناگون مردم فارسی نژاد سرچشمه می گیرد. طبق معلومات دسترس انشاء نویسی رسمی فارسی هنوز از دوران حکومت ساسانیان (۲۲۶ - ۶۵۱ قبل از میلاد) به جریان درآمده، دفتر علی حده دیوان دولتی به انشاء نگاری تخصیص یافته بوده است. بعداً یک رکن مهم دیوان دولت سامانیان (۸۷۵ - ۹۹۹) را هم دفتر انشاء نویسی تشکیل داده، کاتبان و منشیان خوش نویس بسیاری مشغول کارش بودند. و محض از همین دوره آغاز تجدید تمدن فارسی، نامه نویسی رسمی و خصوصی دامنه وسیعی گستریده، به یک شاخه نظررس فرهنگ مردمی تبدیل یافته است.

در جاده تشکل و تحول نامه نویسی فارس و تاجیک، سخنور و دانشمند و دبیران بسیاری حصه گذاری کرده اند. و تا جایی که اطلاع داریم اولین نامه های دسترس فارسی به قلم نابغه گان فن و سخن ابوعلی ابن سینا (۹۸۰ - ۱۰۳۷) و ابوریحان بیرونی (۹۷۳ - ۱۰۴۸) تعلق دارد، که به عنوان همدیگر ارسال داشته اند و در سطور آنها بس

زرد

مدنرمع نارمرفع آنگه الهام  
شمالی که کامی همه رشرف

عاطف  
مدنرمع مولانا علی سرت  
درد اس سر را محاطور  
اس نام

الهام که در حال حاضر  
درد و فکری که در اسلام

می فایده رسد  
اساسی که در اسلام

ان قدر  
والسلام

مقاهای علمی و فلسفی حل و فصل یافته‌اند. در مجموعه نام دستخط مال دانشگاه شهر قازان (تحت رقم ۱۱۲۴-۱۱۳۶، ورق ۳۲۷ الف - ۳۳۴ الف) که تقریباً در عصر چهارده میلادی کتابت یافته، یک نامه شاعر شهیر متصوف ابوسعید ابوالخیر (۹۶۸-۱۰۴۹) به ابوعلی ابن سینا و جواب آن آورده می‌شود که مباحثه فلسفی آنها را فرا گرفته. برضام این، اهل دانش از نامه‌ای به فخرالوزرا نظام الملک طوسی (سال قتلش ۱۰۹۲) ارسال داشته سخنر معروف صوفیه عبدالله انصاری (۱۰۰۶-۱۰۸۸) خبر دارند که اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی مصنفش را تجسم نموده است. توسط سرچشمه‌های مختلفه خطی از ابوحامد غزالی (۱۰۵۸-۱۱۱۱)، ابوالمجد سنایی (۱۰۷۰- تقریباً ۱۱۴۰) رشید و طواط (۱۱۷۷ وفاتش)، خاقانی شیروانی (۱۱۲۶-۱۱۵۸)، جلال‌الدین رومی (۱۲۰۷-۱۲۸۳) و دیگران نامه‌های گرانبهایی به میراث مانده‌اند که گنجور افکار و آمال بکر ایشان می‌باشند.

گذشته از این در تاریخ ادب فارسی پیرامون مسائل نظری و علمی و سبک و اصول نامه‌نگاری چندین اثر مکملی روی کار آمده، فصل و بابهای علی‌حدّه اغلب کتب تعلیمی و اخلاقی، به ذکر مفصل آیین دبیری و کاتبی اختصاص یافته‌اند. چنانچه فصل سی و نهم قابوس‌نامه معروف به نصیحت‌نامه عنصرالمعالی کیکاووس (۱۰۱۰-۱۰۹۹) «اندر آیین کاتب و شرط کاتبی» نام گرفته و مقاله یکم چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی (عصر دوازده) «در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل و آنچه تعلق دارد بر این» بحث می‌کند و رساله‌های از یک تا پنج اعجاز خسروی امیرخسرو دهلوی (۱۲۵۳-۱۳۲۵)، به تعیین قانون و قاعده‌های انشاءنویسی تخصیص داده شده است. باید افزود که شغل کاتبی و دبیری در تمام دوره‌های جریان خط و ادب فارسی ادامه یافته، در ظهور بسیاری از ادیبان فارسی زبان همچون زمینه رشد و مکتب تربیت ادای خدمت کرده‌اند. برای مثال مترجم کلبه و دهنه از زبان عربی به فارسی ابوالمعالی نصرالله (عصر دوازده)، نگارنده قصه محبوب القلوب میرزا برخوردار فراهی (عصر هفده) و نویسنده تاجیک میرزا صادق منشی (آخر عصر ۱۸ و ابتدای عصر ۱۹)، در ابتدا دبیر و منشی بوده، سپس به جاده سخنوری گام نهاده‌اند.

خلاصه کلام نظریه و عملیه انشاءنویسی فارسی در طول تمام قرن‌ها رواج یافته، به خصوص در قرن پانزده میلادی به درجه اعلای توسعه یافت. و محض در همین عصر رزین فرهنگ فارس و تاجیک [!] ست جمع‌آوری مکتوبات و رقعات شخصی و نشان و فرمانهای دولتی رواج یافته، چنین اسناد مهم و مفید در قالب مرقع (آلبوم) برای نسل بس میراث‌گذاری می‌شد. چنانچه در خزینه دستخط‌های متن داران ارمنستان تحت رقم ۲۳۱ فرمانها نام دستنویس نگاهداری می‌شود، که سال ۱۴۵۷ کتابت یافته، فرمانهای خاتون‌خان و یعقوب‌خان، این حسن را فراهم می‌آورد که توسط آن فرمانها در تاراج نکردن ملک ارمنیه و

زبان نرسانیدن به اموال کلیسای ایشان سفارش داده می‌شود. مجموعهٔ مراسلات از نامه‌های معاصران خود تنظیم کردهٔ علشیر نوایی که زیر عنوان مرقع میرعلشیر هم یادآوری شده است، نیز از جملهٔ چنین آلبومهاست، از کتب نظری دستوری و عملی فن انشاء و نامه‌نگاری در سدهٔ پانزده مخزن الانشای حسین واعظ کاشفی، خمین عمادی یوسف اهل، ترسل عبدالله مروارید، منشاء الانشای عبدالواسع نظامی، رقعات و منشآت حقیری، ترسل خواجه برهان، مناظر الانشاء، ریاض الانشاء و قواعد الانشاء محمود گاوآن رامی توان ذکر کرد که در محل‌های گوناگون تصنیف شده باشند، هم از جهت اسلوب نگارش به هم قرابت دارند و در قاعده‌های این فن بحث پیوسته اساساً نمونه‌های مراسلات شخصی، پرسش و پاسخ‌های علمی، نامه‌های دولتی، مکتوبهای دیپلماسی و امثال اینها را در بر می‌گیرند. جامی و نوایی نیز مجموعه‌های رقعات خود را ترتیب داده آنها را چون اثر علی حده در کلیاتهایشان جای داده‌اند.<sup>۱</sup>

بدین طریق ژانرنامه‌نگاری در ادبیات فارس و تاجیک سابقهٔ غنی داشته، در دوره‌های منبهد انکشاف و تکامل آن نیز عنعنه و سنت‌های پیشقدمش ادامه و گسترش یافته است. متأسفانه این موضوع مهم تاریخ و ادبیات‌شناسی تا حال از طرف اهل تحقیق بطور باید و شاید مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است. در این رشته تنها چند اثر و مقالهٔ ادبیات‌شناس تاجیک بانو زلفیه حسنا را می‌توان نام برد که در آنها تاریخ نامه‌نگاری تاجیک در عصرهای پیشین بطوری مختصر، اما دست آوردهای ادیبان و دبیران عصر نوزده بطور مفصل و مکمل تری مورد تحقیق قرار گرفته‌اند.<sup>۲</sup> الحق نامه‌های یادگاری شاعر شهیر و دانشمند بی نظیر مولانا عبدالرحمن جامی (۱۴۱۴-۱۴۹۲) که تاکنون عنقریب ۴۳۰ عدد آنها دسترس گردیده است، از بهترین نمونه‌های مراسلات شخصی در تاریخ نامه‌نگاری دری تاجیکی [۱] به شمار می‌روند. اما تا امروز کار جمع‌آوری و در یک جلد به طبع رسانیدن آنها رایگان مرکز و مؤسسهٔ خاورشناسی به سامان نرسانیده است. از اینجاست که در عرغهٔ آمادگی به جشن پانصد و هفتاد و پنجمین سالگرد تولد نایفهٔ سخن مأموریت انستیتوهای خاورشناسی آکادمی علوم تاجیکستان و ازبکستان شوروی تصمیم گرفتند که با طریق همکاری، مجموعهٔ نامه‌های او را برای نشر عیدانه تنظیم و تهیه بکنند و اجرای چنین امر خیر به عهدهٔ راقمان سطور واگذار شده، آنها در شهرهای دوشنبه و تاشکند از پی انجام سپارش پرداختند.

هنگام تهیه و تنظیم متن نامه‌های جامی، سرچشمه و نشریه‌های زیرین ریخته عمل قرارداد شدند:

۱ - مجموعهٔ مراسلات (یا مرقع نوایی) - مجموعهٔ نامه‌های دستنویس ۱۶ نفر از اشخاص معروف عصر ۱۵، که ۳۳۷ نامهٔ دستنویس جامی را نیز فرا گرفته و در متن حاضره شرطاً

با حرف «ا» اشاره شده است. مرقع مذکور در ردیف کتابهای دیگر منسوب به کتابخانه شخصی ادیب و مورخ تاجیک شریف جان مخدوم (۱۸۶۷-۱۹۳۲)، که مدتی قاضی بخارا بوده و تحت تخلص صدرضیا معروفیت دارد، به شعبه دستخط های شرق کتابخانه عمومی موسوم به علیشیرنویایی شهر تاشکند وارد آمده، از خصوص تاریخ تنظیم و شخصیت مرتب در مرقع اشاره ای بنظر نمی رسد. عنوان شرطی مجموعه مراسلات را به آن، خود شریفجان مخدوم نهاده و با همین نام در فهرست کتابخانه اش قید کرده است. نامبرده در باب جای و سنه دریاقت مرقع چیزی نگفته، فقط نام چندی از گیرندگان مکتوبات را ذکر می کند و علیشیرنویایی را که اغلب نامه ها بعنوان او نوشته شده اند، مرتب آن تخمین می نماید. این تخمین شریف جان مخدوم را یکی از گفته های خود علیشیرنویایی در کتاب نسایم المحبت تقویت داده می توانست. نویایی در اثر مذکور در موردی می نویسد که خواجه عبیدالله احرار (۱۴۰۴-۱۴۹۰)، به نام او نامه های زیادی نوشته و نویایی به نشان احترام نسبت به شیخ نامدان آن نامه ها را گرد آورده و در مرقع جدولکاری جایشان داده است. (نسایم المحبت، دستخط رقم ۸۵۷ خزینه دستنویسهای آکادمی علوم ازبکستان، ورق ۱۷۸ ب). از بسکه در مرقع موصوف ۱۲۸ عدد مکتوب برای نویایی ارسال داشته خواجه عبیدالله احرار ثبت یافته و گرداگردشان جدولکاری شده، در تقویت تخمین بالا می توان اظهار داشت که مجموعه مورد نظر را در واقع علیشیرنویایی تنظیم نموده است.

مورد عرضه داشت است که فاضل محترم مایل هروی در مقدمه خود به کتاب نامه های دستنویس جامی (کابل، ۱۹۸۷، ص ۱-۱۶)، عده زیاد مرقعات را از جمله مرقع صالح خوش نویس، مرقع سلطان حسین میرزا، مرقع شاه اسماعیل صفوی، مرقع شاه طهماسب، مرقع امیر غیب بیک، مرقع داراشکوه، مرقع زیب النساء، مرقع خطوط جعفر بابا سنقری، مرقع سلطان مراد، مرقع سلطان یعقوب، رقعات ولی الدین افندی، مرقع گلشن، مرقع بهرام میرزا، مرقع قطب الدین محمد قصه خوان و غیره نامبرده و توصیف می کند، که در او ارقشان بهترین نمونه های آثار خطاطان و نقاشان و دبیران و منشیان فارسی زبان را گرد آورده و گواه زنده رواج والای مرقع سازی در قرون ۱۵-۱۷ می باشند.

سنه تنظیم و تدوین مرقع نویایی اثیق معلوم نیست، اما توسط دو سند دسترس، این سنه را میان سالهای ۱۴۹۰-۱۴۹۵ تخمین می توان نمود. نخست، سنه آخرین تألیف یکی از نامه ها که به قلم جامی متعلق است و در تاریخ وفات خواجه عبیدالله گفته شده به سال ۱۴۹۰ میلادی مطابقت دارد.<sup>۳</sup> ثانی، سنه عرضه داشت نویایی در باب مرقع بسال ۱۴۹۵ یعنی تاریخ تألیف نسایم المحبت راست می آید.

نسخه اصل مجموعه مراسلات یا مرقع نویایی که در خزینه دستنویسهای انستیتی

خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان شوروی تحت رقم ۲۱۷۸ نگهداری می‌شود، دارای ۴۶ ورق بوده به اندازه ۴۱ × ۲۹ سانتی متر قد و بر دارد. بر روی ورقهایش ۵۹۴ عدد نامهٔ مکمل چسبانده شده، که نقش خامهٔ شانزده نفر مؤلف گوناگونند. کاغذ نامه‌ها، سمرقندی، خطشان اساساً نسخ و شکسته بوده، اصول نگارش یک مؤلف از دیگرش به خوبی فرق کرده می‌شود. کاغذ مرقع هراتی بوده، در قیاس کاغذ مکتوبات ضخیم و سفته‌تر می‌نماید. نامه‌ها اندازه مختلف (از ۳/۷ بر ۵ سانتی متر تا ۱/۵ بر ۲۲ سانتی متر) داشته، از همدیگر با جدول باریک سیاه و زرجل جدا کرده شده‌اند. نامه‌ها در اوراق مرقع کج و راست جایگیر کرده، عده‌ای قسم قسم در یک ورق و گاهی در اوراق گوناگون چسبانده شده‌اند. متن بعضی نامه‌ها به مرور زمان اندکی حذف شده، برخی از آنها آثار رطوبت دارند و چنین حالت گواه آنست که نامه‌ها قبل از تنظیم و تدوین در جای دیگر نگهداری می‌شده‌اند. گاهی نامه‌های مؤلفین گوناگون مخلوط گردیده، که آنها را از روی خطشان فرق می‌توان کرد. ضمن تدقیق عمیق متن شناسی، تقریر و تعیین متن اصلی اکثر نامه‌های آسیب دیده امکان‌پذیر باشد، هم جزوی از متن قسمت ناچیز آنها، بی بازگشت از میان رفته است. در خاتمهٔ اکثر کل مکتوبات امضای مؤلفان ثبت یافته، تنها ۷۵ عدد آنها امضاء ندارند. امضای صاحبان یازده نامه هنگام تدوین مرقع از بین رفته، لیکن در ضمن قیاس حسن خط، تعیین مال که بود نشان امکان‌پذیر است، نامه‌هایی نیز بنظر می‌رسند که به قلم خود مؤلفان نه و از جانب شخص دیگری ظاهراً کاتبان یا شاگردانشان نوشته شده‌اند، اما در آنها امضای مؤلفانشان ثبت است. امضاها را مرتب مرقع از نامه‌ها جدا کرده، غالباً در گوشه سمت راست بالایی، گاهی در گوشهٔ چپ بالایی جای داده است و در این مجرا چند امضا اشتباهاً مخلوط گشته و بعضی مکتوبات شامل دو امضا شده‌اند.

به مکتوبات بعدتر یعنی در روزگار ما، توسط رنگ سیاه و ارقام اروپایی شمارهٔ ترتیبی گذاشته شده که در این مورد هم اشتباه راه یافته است. چنانچه قسمت آخرنامهٔ شمارهٔ ۵۳ (ورق ۷ ب)، همچون نامهٔ مستقل زیر شمارهٔ ۵۸، جزوی از نامه‌های ۵۴ و ۵۶، به همین گمان تحت شماره‌های ۳۳۶ و ۳۳۸ (ورق ۲۴ ب) آمده‌اند. برعکس چندی از نامه‌ها به نامهٔ دیگر الحاق شده، برون از دایرهٔ شماره‌بندی مانده‌اند. در ورق ۴۱ الف امضای عیبدالله احرار باقی مانده باشد، هم متن نامه از میان رفته و جایش خالی است، لیکن هنگام شماره گذاری در نزد امضای خالی رقم ۵۵۴ گذاشته شده است. در اوراق یک الف، ب و ۵ الف چند قید و شعر انشا یافته که به مکتوبات علاقه‌مند نیست. در ورق ۴۶ الف قطعهٔ تاریخ به سنهٔ وفات خواجه عیبدالله احرار بخشیدهٔ جامی و نام یازده نفر مؤلف نامه‌ها ثبت‌اند که از روی شباهت خطشان منسوب خامهٔ شریف جان مخدومند و در ورق ۴۵ ب نقش مهر شخصی او با سنهٔ

۱۳۰۷ (۱۸۸۹) بخش شده.

بعدها، انبیک ترش در سال ۱۹۳۹ در اساس نسخه اصل مجموعه مراسلات دو نسخه دیگر قلمی روی کارآمده، که زیررقمهای ۴۲۴۵ و ۵۱۳۶ در گنجینه دستنویسهای شرقی انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان محفوظند. نسخه‌های مذکور، به خط نستعلیق خوانا با مرکب سیاه در کاغذ خوقندی زردچه‌تاب کتابت یافته‌اند. کاتب هردو نسخه دانشمند و خطاط فقید عبدالله عادل بوده، ثمره زحمتش در باب خوانش و فهمش نامه‌های مشکل فهم مرقع، به متخصصین کمک بی‌شائبه رسانیده است.

همین طریق از ۵۹۴ نامه منخرط مرقع ۳۳۷ عددش زاده قلم عبدالرحمن جامی بوده، در انتهای اکثر کلمات امضای آن بزرگوار قید یافته است. تنها ۲۴ نامه امضای او را ندارد که در اساس یکنواختی املا و خط با نامه‌های امضاء دارمال جامی بودنشان را به آسانی می‌توان دریافت. هنگام تهیه متن نامه‌های بی‌امضاء، مرتبان متن حاضره نام صاحبشان را در قوسین آورده‌اند. اغلب نامه‌ها به خط نسخ کاری کتابت یافته، در چندی به نستعلیق و شکسته مایل می‌گردد که این حالت ظاهراً به شرایط تألیف مکتوبات وابسته بوده، مولف آنها را در راه سفر و گذر در وضع مشوش خاطری و آسیمه سری حتی در پشت اسب انشاء نموده است.

هنگام داوری قیاسی مرقع‌نویایی با منشآت جامی (دستخط تحت رقم ۱۳۳۱)، که ۹۱ مکتوب و خمسة‌المتعبرین نویایی (دستخط تحت رقم ۲۲۴۲)، که ۱۷ مکتوب جامی را داراست، عیان گردید که از این مقدار (جمعاً ۱۰۸ مکتوب) تنها ۲۱ عدد در مرقع آمده است. و این حالت بدان سبب رخ داده که در رساله منشآت آن نامه‌هایی گرد آمده‌اند که در اسلوب عنعنه وی پیچ در پیچ منشئانه فارسی تألیف یافته جامی، همچون نمونه مکتوبات رسمی اداری پیشنهادشان کرده است. اما نامه‌های مرقع به زبان ساده و روان و در اسلوب سپارشنامه و جوانبامه و درخواست و تمناهای شخصی نگاشته شده، از همه‌گونه شرط و طلبات سنتی سبک انشاء نویسی گذشته برکنارند. همچنین نامه‌های دستنویس جامی برعکس مکتوبات منشآت، در نسخه خود منحصر به فردند و تنها در دست طرف گیرنده اشان نگهداری می‌شدند.

نامه‌های دستنویس جامی در مرقع، مانند نامه‌های مؤلفین دیگر نامنظم و بدون سنه تحریر آورده شده‌اند. فقط از روی مضمون برخی از آنها می‌توان دریافت که در میانه سالهای ۱۴۶۹ - ۱۴۹۲، یعنی از زمان بر سریر حکم خراسان نشستن سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹) و به مسند وزارت رسیدن علیشیر نویایی تا دوره فوت جامی (۱۴۹۲)، حسن تألیف پذیرفته‌اند. چنانچه شاگرد وفادار و زندگی‌نامه‌نگار جامی، کمال‌الدین عبدالواسع نظامی در اثر معروف خود مقامات مولوی جامی، در موردی اول و آخریکی از نامه‌های استادش را انتقال داده، می‌گوید که آن در سال ۸۷۸ هـ (۱۴۷۴ م)، یعنی در زمان پورش سلطان حسین بایقرا به بلغ

انشاء یافته است. همچنین در اساس معلومات رشحات عین الحیوة فخرالدین علی صفی، که در اوراقش سده‌های در راه میان هرات و مکه در کدام شهرها قرار داشتن جامی انبیک و دقیق آمده‌اند، تاریخ نوشت چند نامه از حج ارسال داشته‌اند او را تعیین نمودن امکان دارد. موافق شهادت خود جامی، کتاب نفحات الانس من حضرات القدس در میانه سالهای ۸۸۱-۸۸۳ (۱۴۷۶-۱۴۷۸) بدست ایجاد رسیده است.<sup>۴</sup>

از اینجا می‌توان پی برد که چند نامه همراه اجزای نفحات الانس، عنوانی نوایی فرستاده او در بین همین سالها نوشته شده‌اند. به همین منوال در اساس یک عده سندها، تاریخ ارسال یکچند دستنویس جامی را تشخیص می‌توان کرد که در آموزش جریان روزگار و تحول افکارش اهمیت بزرگی را شامل خواهد بود. و در نشر کنونی تمام این نامه‌های دستنویس جامی در قسمت اول کتاب جای گرفته و بطور منظم و پی در هم شماره‌بندی شده‌اند.

باید افزود که متن نامه‌های دستنویس جامی، تا امروز دو مرتبه بدست طبع رسیده است: بار اول در سال ۱۹۸۲ در شهر تاشکند، نسخه عکسی نامه‌ها با مقدمه و توضیحات و ترجمه روسی پروفیسور عصام الدین ارونبایف، زیر عنوان نامه‌های دستنویس عبدالرحمن جامی از مرقع نوایی منتشر گردید. بار دوم سال ۱۹۸۷ در کابل کتاب نامه‌های دستنویس جامی، باز هم در تهیه دانشمند نامبرده انتشار یافت که متن نامه‌های موصوف را فرامی‌گیرد و مقدمه آن به قلم دانشمند محترم مایل هروی تعلق دارد.

۲- رساله منشآت - که مقداری از نامه‌های جامی را فراهم می‌آورد و در وقتش از جانب خود مصنف تنظیم و تدوین یافته است. سده انبیک تنظیم رساله معلوم نیست، اما در یکجای رساله از خواجه عبیدالله احرار، همچون شخص بر حیات یادآوری می‌شود که در همین اساس نه بعدتر از سال ۱۴۹۰، یعنی سال فوت خواجه احرار تنظیم یافتن آن را تخمین می‌توان نمود. از خصوص تاریخ و عاملهای تنظیم رساله منشآت، در کتاب مستشرق تاجیک اعلاخان افصح‌زاد روزگار و آثار عبدالرحمن جامی (دوشنبه، ۱۹۸۰، ص ۱۵۴-۱۵۸)، معلومات مفصل داده شده است.

در جریان تهیه کتاب حاضر، نسخه قلمی رقم ۱۳۳۱ که در کتابخانه انستیتیو خاورشناسی از بکستان نگهداری می‌شود و نشر تبریزی رساله که سال ۱۹۶۸ در تبریز به طبع رسیده، زمینه متن قرار داده شده‌اند. نسخه برقم ۱۳۳۱ در پاورقیها توسط اختصاره شرطی «M» و نشر تبریزی توسط حرف «ТН» معرفی شده است.

نسخه رقم ۱۳۳۱ کلیات جامی را فرا گرفته، از ۶۳۱ ورق، اندازه اش ۲۸/۵ × ۳۹ سانتی متر ترکیب یافته است. در اوراق و حواشی آن، ۲۸ اثر منظوم و منثور جامی گنجايش دارند که متن همه‌اشان به خط همگون کتابت شده است. متن منشآت در حواشی اوراق ۵۳۱



الف - ۵۶۵ ب تحت سرلوحه رساله منشآت نسخه بردای شده، ۹۱ مکتوب مؤلف را فراهم می‌آورد. خطش نستعلیق خوانا و زیبا، کاتبش خطاط معروف هم‌مصر جامی محمد الکاتب الهروی بوده، کتابت در سال ۹۰۸ (۱۵۰۲) خاتمه پذیرفته است.

نشر تبریزی منشآت در اساس یک نسخه خطی کتابخانه ملی تهران که سال ۱۰۵۱ (۱۶۴۱) کتابت شده، به سامان رسیده است و ۸۵ نامه جامی را در بر می‌گیرد.<sup>۵</sup>

نسخه رقم ۱۳۳۱ جمعاً ۹۱ مکتوب جامی را فرامی‌گیرد که نمونه سبک انشاء نگاری قرن پانزده به حساب می‌روند. نامه‌ها در سینه‌های گوناگون روزگار جامی بدست تألیف رسیده. هنگام تدوین رساله منشآت از طرف خود مؤلف به گروه‌های زیرین جدا کرده شده‌اند:

الف - رقعه‌هاییکه «به رویشان مخلومی ارشادآمیزی خواجه عبیدالله» یعنی به خود خواجه عبیدالله احرار نگاشته شده‌اند (۱۱ عدد).

ب - رقعه‌هاییکه به «ملازمان حضرت سلطنت شعاری خلافت پناهی» یعنی سلطان حسین بایقرا نوشته شده‌اند (۲۲ عدد).

ج - رقعه‌هاییکه به «ارباب دولت» اساساً علیشیرنوایی و دیگر خادمان دربار حسین بایقرا نگرانیده شده‌اند (۳۳ عدد).

د - رقعه‌هاییکه به اشخاص گوناگون ساکن کشورهای بیرون از ماوراءالنهر، یعنی ترکیه، آذربایجان، ایران و هندوستان ارسال یافته‌اند (۲۵ عدد).

تمام قطعات شعری که در متن رقصات مورد استفاده بوده‌اند، به قلم خود جامی تعلق دارند و در آخر رساله به صفت باب علی حده بار دیگر پی هم آورده شده‌اند. از ۹۱ مکتوب منشآت جامی در باب دوم کتاب حاضر، ۷۷ نامه جای گرفته، باقی مانده‌ها (۱۴ عدد) که در مجموعه مراسلات (یا مرقع نوایی) نیز بنظر می‌رسند، قبلاً در باب یکم آورده شده‌اند. جایجاگذاری نامه‌های مذکوره، به همان ترتیبی صورت گرفته که خود مؤلف در رساله منشآت رعایتش کرده است.

۳ - خمسة المتحیرین - اثر معروف علیشیرنوایی است که در سال ۱۴۹۴ یعنی دو سال بعد از وفات جامی اختتام پذیرفته است. از مقدمه، سه مقاله و خاتمه عبارت بوده، قبل از همه به تصویر لحظات جداگانۀ روزگار جامی و توصیف دوستی و روابط استاد و شاگرد بخشیده شده است. مقاله دوم اثر کاملاً از بازگویی جریان و وضعیت مکاتبات طرفین بهم آمده، در صفحات آن مختصراً یا مکماً ۱۷ نامه جامی که به عنوان خود نوایی ارسال یافته‌اند، شاهد آورده شدند. قبل از آوردن هریک نامه و یا پاره‌ای از آن، نوایی وضع و سبب آفرینش آن را به زبان ترکی (ازبکی) به قلم داده، نامه‌های جوابی خود را نیز (به فارسی) ایراد می‌کند. این نامه‌های جامی، خاصیت مکاتبات شخصی را داشته، در باب وضع سلامتی، ایجاد این با

آن اثر بدیمی و مطلب دیدار و سعادت طرفین بحث می‌کنند.

از این مقدار نامه‌های جامی که در *خمسة المنحیرین* ثبت و ضبط اند، ۷ عدد در مجموعه مراسلات و باقی مانده‌ها در رساله‌ی منشآت به چشم می‌خورند. و به همین مناسبات، این اثر پر قیمت نوایی هنگام تنظیم متن حاضر، به صفت نسخه‌ی یاری رسان مورد استفاده قرار گرفته و در پاورقی‌ها با حرف «X» نشان داده شد. این نسخه‌ی خطی مورد استفاده تحت رقم ۲۲۴۲ در خزینه‌ی دستخط‌های انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان نگهداری می‌شود که در سال ۱۰۲۹ (۱۶۲۰) کتابت یافته است. خطش نستعلیق خوشخوان، کاغذش هراتی، کاتبش نامعلوم؛ از ۸۸ ورق اندازه‌اش  $۱۸/۵ \times ۱۲$  سانتی متر فراهم آمده است. مقاله‌ی دوم در اوراق ۲۸ ب- ۴۵ ب جای داده شده است.

همین طریق در نشر کنونی، ۳۳۷ نامه‌ی دستنویس از مجموعه‌ی مراسلات (یا مرقع نوایی) و ۷۷ رقععه از رساله‌ی منشآت گرد آمده‌اند که جمعاً ۴۱۴ عدد را تشکیل می‌دهند. برضم این مقدار، در قسمت سوم کتاب حاضر، ۱۸ نامه‌ی متفرقه‌ی جامی و در فصل یکم قسمت ضمیمه آن، ۲۶ نامه‌ی به عنوان جامی ارسال داشته‌ی مؤلفان گوناگون، انضباط یافته‌اند که از نشریه و سرچشمه‌های خطی زیرین اخذ شده‌اند:

۴ - مجموعه‌ی رقععات و منشآت - که مجموعه‌ی ایست بدون عنوان، سال تألیف و نام کاتبش نامعلوم. رقععات و منشآت چندین ارباب معروف دوران سلطنت حسین بایقرا (۱۴۶۹-۱۵۰۶) را دربر می‌گیرد. در مجموعه، نمونه‌ی مکتوب و نشان و فرمانهای قرون ماقبل نیز و امی‌خورند، که نامه‌ی شاه شجاع (۱۳۵۰-۱۳۸۴) به تیمور گورگان و نشان سال ۱۴۲۸ ایراد کرده‌ی شاهرخ میرزا به پسرش الغ بیگ از آن قبیلند، دو نسخه‌ی قلمی ماخذ مذکور، در خزینه‌ی دستنویسهای انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان حفاظت می‌یابند که توصیف اجمالیشان چنین است:

نسخه‌ی رقم ۲۹۶ - خطش نستعلیق، کاغذش سمرقندی، نام کاتب و سال کتابت نامعلوم. از روی سبک خطش می‌توان تعیین کرد که دست خط قرن ۱۶ است. از ۲۲۵ ورق ترکیب یافته، اندازه و رقعهایش  $۱۵/۶ \times ۲۲/۷$  سانتی متر می‌باشد. تقریباً ۵۰ نامه‌ی جامی را فرا گرفته است. در پاورقیهای متن کنونی زیر اختصاره «۲۹۶» مرقوم گشته است.

نسخه‌ی رقم ۲۲۷۸ - خطش نستعلیق و کاغذش شریقیست. نام خطاط و سنه کتابت نامعلوم. مطابق خصوصیات خطش در عصر شانزده کتابت شده، از میانه و آخر چند ورقش مفقود گشته است. مانند نسخه‌ی ۲۹۶، ۵۰ نامه‌ی جامی را فراهم آورده است. در کتاب حاضر متن نامه‌های مرقوم این نسخه بطور مقایسه تهیه شده، نسخه‌ی موصوف در پاورقی‌ها تحت اختصاره «۲۲۷۸» اشاره یافته است.

۵ - منشآت مروارید - که با نامهای شرفنامه، انشای مروارید و ترنم مروارید نیز یادآوری می‌شود. مؤلفش شهاب‌الدین عبدالله ابن محمدالکرمانی مروارید (متوفی ۱۵۱۶/۱۲۲)، خادم دولتی، شاعر، موسیقی‌شناس، خطاط و منشی دوران جامی و نولبی می‌باشد. تخلص او بیانی باشد، هم بیشتر همچون عبدالله مروارید معروف گردیده است. مجموعه موصوف در نیمه دوم قرن پانزده از طرف خود عبدالله مروارید همچون نمونه آثار منشیانه تهیه گردیده است. هنگام تنظیم متن حاضره، دو نسخه از اثر مذکور (یکی دستنویس و دیگری چاپی) مورد استفاده قرار گرفتند:

نسخه قلمی رقم ۱۱/۲۸۶ که در خزینه دستخط‌های انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان نگهداری شده، در خود چند مجموعه منشآت را فراهم می‌آورد. منشآت مروارید در حواشی اوراق یک ب-۵۶ ب جایگزین شده، خطش نستعلیق، سنه کتابت ۱۵۷۱/۱۷۹، کاتبش محمدابن علاءالملک می‌باشد. این نسخه در پاورقی‌های متن کنونی، تحت اختصاره «۲۸۶/۱۱» ثبت یافته است.

نسخه چاپی منشآت مروارید، که نام شرفنامه را دارد در ترجمه آلمانی خاورشناس روبرت ریومر با علاوه نسخه عکسی دستنویس رقم «۸۷-۴» که در دانشگاه اسلامبول حفاظت می‌شود و سال ۱۵۰۲/۱۰۸ ختم کتابت پذیرفته، سال ۱۹۵۲ به طبع رسیده است.

۶ - اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمورتاشاه اسماعیل - که در کتاب حاضره مختصراً «AM» اشاره یافته است. این مجموعه حجت و فرمانهای گوناگون و مکتوبات تاریخی را که از زمان امیر تیمور گورگان تا دوران شاه اسماعیل صفوی تألیف گردیده اند فراگرفته، سال ۱۳۴۱ د. ق. در تهران به طبع رسیده است. گردآورده اسناد و مکتوبات و تهیه گر کتاب دکترم عبدالحمین نولبی می‌باشد.

به همین طریق در کتاب حاضره، بار نخستین از سرچشمه و نشریه‌های موصوف ۳۲؛ نامه گرانبهای مولانا عبدالرحمن جامی گردآوری شده اند که موافق مضمون و مقصد نگارنده اشان، آنها را به دو گروه تقسیم بندی می‌توان نمود:

۱ - مکتوباتیکه خاصیت مراسلات شخصی را دارند،

۲ - مکتوباتیکه بطریق درخواست و سپارشنامه و جواب نامه ایراد یافته‌اند.

زبان و اسلوب افاده این دو گروه نامه‌ها از همدیگر فرق دارند. اگر در نامه‌های به مقصد حاجت کسی را برآوردن و به داد کسی رسیدن طرف مقابل ایراد یافته، فکر و اندیشه‌های مؤلف به زبان ساده و روشن و فهما بیان شده باشند، پس در نامه‌های شخصی جامی سبک انشاءنویسی پیچ در پیچ فارسی رعایت شده است و محض در همین قبیل منشآت او، قطعه و پاره‌های منظوم و منثور عربی، اقتباسات از احادیث پیغمبر (ص) و سوره‌های قرآن و رمز

معناهای گوناگون بیشتر بنظر می‌رسد.

در عده‌ای از مکتوبات جامی به مسائل مختلفهٔ حیات اجتماعی و سیاسی و ادبی و فرهنگی زمان، دخالت شده باشد. هم این قبیل نامه‌های او را به حیث مکتوبات رسمی اداری و دولتی نمی‌توان پذیرفت، زیرا مؤلف باری هم یگان منصب و مسند دولتی را اشغال ننموده و به این معنی همچون شخص رسمی برآمد هم کرده نمی‌توانست.

در نامه‌های دستنویس جامی نام نامه‌گیرندگان ثبت نیافته باشد، هم از روی سبک و آهنگ بیان، لقب و صفت و عنوانهای افتخاری و معلومات سرچشمه‌های دیگر می‌توان دریافت که قسمت اساسی آنها به دوست و شاگردش علیشیرنوایی، باقیمانده‌ها به سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹ - ۱۵۰۶) و دیگر خادمان دربار هرات ارسال یافته‌اند. تنها در یک نامهٔ دستنویس او که در متن حاضره زیر شماره ۹ آمده، نام نامه‌گیر را به طرز «جناب میرعلیشیر عالی گهر» افاده کرده است و نامهٔ مذکور در رسالهٔ منشآت نیز در ردیف مکتوبات به عنوان نوایی ارسال یافته جای داده شده، در بابت تعیین مقدار نامه‌های برای نوایی فرستادهٔ جامی، مقالهٔ دوم *خمسة المنحیرین* نیز که ذکرش در بالا گذشت کمک خوبی می‌رساند.

در برابر علیشیرنوایی و حسین بایقرا یک عدهٔ مکتوبات در منشآت گرد آمدهٔ جامی به عنوان چند تن از اشخاص تاریخی زمانش منجمله سلطان جهانشاه حقیقی حاکم آذربایجان (۱۴۳۷ - ۱۴۶۷)، سلطان محمد فاتح حاکم آسیای صغیر (۱۴۵۱ - ۱۴۸۱)، حسن بیک معروف به اوزون حسن حاکم آذربایجان (۱۴۵۳ - ۱۴۷۸)، سلطان بایزید ثانی (۱۴۸۱ - ۱۵۱۲) پادشاه روم، خواجه مجدالدین محمد وزیر سلطان حسین بایقرا، ملک التجار یا خواجه جهان خادم دربار بهمنیان هند، بدیع‌الزمان میرزای پسر کلان حسین بایقرا به حساب می‌روند.

قسمت دیگری از مکتوبات منشآت، به مریدان قریب و خود خواجه عبیدالله احرار (۱۴۰۴ - ۱۴۹۰) و خادمان دیگر دربار، به یاران و دوستان و خویشاوندان و یک عده اشخاص شخصیتشان تاکنون به نام معلوم ایراد و ارسال یافته‌اند.

دسته‌ای از نامه‌های جامی که از مآخذ گوناگون گردآوری کرده، در قسمت سوم کتاب حاضره (بعد منشآت) جای داده شده‌اند، بر ضم علیشیرنوایی، خواجه عبیدالله احرار، خواجه مجدالدین محمد، سلطان بایزید ثانی و ملک التجار، چنانکه از سرلوحه‌هایشان پیداست، به نام یعقوب بیک حاکم آذربایجان، قاضی عیسی عراقی خادم دربار یعقوب بیک، شیخ نجم عراقی خواهرزادهٔ قاضی عیسی عراقی، نورالدین حاجی محمد هروی ساکن مکه و چندی از یاران و یک سیدزادهٔ نامعلوم نوشته و فرستاده شده‌اند. و از این همه نامه‌ها به خوبی روشن می‌گردد که مولانا عبدالرحمن جامی در گوشه‌های مختلفهٔ عالم یار و دوست و شاگرد و

مخلصان زیادی داشته، همیشه غم صحت و سعادت آنها را می‌خورده است و خود شخصیت بی‌نهایت خاکساز و بزرگواری و مرد در عهد و وفا پایدار و استواری بوده است.

در اوراق بسیاری از مجموعه‌های رقعات و منشآت در قرون ۱۵ و ۱۶ مرتب گشته نامه‌های مؤلفان گوناگونی بنظر می‌رسند، که مقداری از آنها به عنوان جامی نوشته شده‌اند. از این قبیل نامه‌ها، در نشر کنونی ۲۶ عدد به صفت ضمیمه یکم به متن نامه‌های جامی الحاق شدند که در سطور آنها مهر و محبت و احترام تمام نگارندگان نسبت به جامی اظهار یافته، بار دیگر از حشمت انسانی و عظمت هنری نامبرده گواهی می‌دهند.

همچنین به صفت ضمیمه دوم، پاره‌هایی از کتاب مشهور مقامات مولوی جامی، شاگرد وفادار او کمال الدین عبدالواسع نظامی (در اساس نسخه قلمی رقم ۱۳۵۴ گنجینه دستخط‌های انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم از پاکستان که سال ۱۸۱۵/۱۲۳۰ کتابت شده است) و مقاله دوم خمسه‌المتحیرین علیشیر نوبلی (در زمینه نسخه خطی که ذکرش در بالا گذشت) انضباط یافتند، که در جاده درک و فهمش چندی از نامه‌های جامی و تصویب وضع ایجاد و ایرادشان مفتاحی بوده می‌توانستند.

نهایت در آخر کتاب حاضر، فهرست اسامی شخصان، نام کتب و واحدهای جغرافیایی و کلمات و عبارات مستعمل آورده شده‌اند که مشکل محققان روزگار و آثار جامی را اندکی باشد هم آسان خواهند نمود.

خلص کلام، کتاب حاضر، که ۴۳۲ عدد نامه نادر مولانا عبدالرحمن جامی را دربر گرفته، دسته‌جمعی از طرف دانشمندان تاجیکستان و ازبکستان و افغانستان تهیه شده است، در روزگار تجلیل جشن ۵۷۵ ساله زادروز شاعر و دانشمند مقتدر و انسان کامل به صفت عیدانه‌یی پیشکش همگان میگردد، تا باشد که از نهانخانه وجود بی‌آلایش و موجهه کاریهای طبیعت پرگنجایشش زیادتر باخبر و بهره‌ور گردیده، بهترین افکار و انگار و پندارش را سبق یک عمری تربیت و نمونه‌های همیشگی عبرت قرار دهند.

در آخر نگارندگان این سطور اظهار تشکرات صمیمی را به دانشمندان محترم اعلانان الفصح‌زاد، یوری مالتسوف، محمد افضل بنووال، احرار مختاروف، اصغر جانفدا، شاه‌نواز موسی زاده، جالبقا داد و علیشاه و قاضی مخدوم که در جریان تهیه و تنظیم کتاب از هرگونه کمک‌های بی‌غرضانه خود دریغ نداشتند. امر وجدان می‌شمارند.

پی‌نوشتها:

- ۱ - اعلی‌خان افصح زاد، ادبیات فارس و تاجیک در نیمهٔ عصر پانزده، دوشنبه، ۱۹۸۷، ص ۵۸.
- ۲ - زلفیه حسنا، عنعنۀ انشاء نویسی در ادبیات تاجیک، اخبارات آکادمی علوم تاجیکستان، ۱۹۷۱، شماره ۲، ص ۷۴ - ۸۰؛ قیمت ادبی: رسالۀ صنعت محزون میرزا سامی، اخبارات آکادمی علوم تاجیکستان، ۱۹۷۱، شماره ۴، ص ۳۵ - ۴۰؛ میرزا عظیم سامی و سبک انشاء نویسی در ادبیات تاجیک قرن نوزده - رساله برای گرفتن عنوان علمی نامزد علم فیلولوژی، دوشنبه، ۱۹۷۶.
- ۳ - مجموعه مراسلات (یا مرقع نوایی)، ورق ۱۸ الف، نامه شماره ۲۷۹.
- ۴ - عبدالرحمن جامی، نفحات الانس، لکهنو، ۱۹۱۲، ص ۳ و ۵۷۰.
- ۵ - منشآت جامی، نشریۀ دانشکدهٔ ادبیات تبریز، سال نوزدهم، شماره ۱ - ۴، تهیه و تنظیم از ادیب طوسی، تبریز ۱۳۴۶.

